



لشکر بازندگان

آذر مدرسی

"ما معتقدیم که گشایش در روابط و مراودات تجارتي و اقتصادي میان دولت های غربي و ايران بايد مشوقی باشد برای این کشور ها در جهت گنجاندن پشتیبانی جدی از حقوق بشر در ايران. دگرگونی به سمت عادی شدن مناسبات بین المللی می تواند سبب شود که نكوهش و مستند سازی بد رفتاری های حکومت با مخالفان سیاسی، نیروهای جامعه مدنی (بخصوص زنان)، و اقلیت های قومی- مذهبی به نتایج موثرتری منجر شود."
(نامه سرگشاده "جمعی به نام مخالفان و منتقدین جمهوری اسلامی"، در تشویق به حمایت از توافق اتمی با ایران به کنگره امریکا)

اظهارات بالا به زبان آدمیزاد یعنی اینکه جمهوری اسلامی که نه "دشمن" دولت های غربي، که "دوست" آنها است، قرار است که با فشار غرب به رعایت حقوق بشر در ایران گردن بگذارد و به زنان و فعالین سیاسی و اقلیت ها، آزادی سیاسی بدهد. این ادعای مسخره، نه جوک که محتوای فعالیت سیاسی طیفی است که نام خود را "فعالین مدنی واقع بین و صلح طلب" گذاشته اند.

نامه سرگشاده "جمعی به نام مخالفان و منتقدین جمهوری اسلامی"، در تشویق به حمایت از توافق اتمی با ایران به کنگره امریکا تازه ترین تلاش طیفی است که تاریخا رسالتی جز پاسداری از وضع موجود و خاک پاشیدن به چشم مردم ندارند. مردمی که مدتها است توهم به جمهوری اسلامی و تمکین به وضع موجود را پشت سر گذاشته اند.

"هشدار" این طیف در مورد "خطر حمله نظامی اسرائیل به ایران"، در صورت ناموفق بودن این آشتی، و "پز" "دفاع از صلح"، همگی مقدمه پیام اصلی این نامه است. پیام اصلی عبارت است از دادن این تصویر که بهبود روابط سیاسی- اقتصادی عرب با ایران قرار است به گسترش "دمکراسی"، به "نكوهش جمهوری اسلامی در بد رفتاری با مخالفان" از جانب دول غربي، به "بهبود وضعیت زنان" و "جامعه مدنی" و ... منجر میشود.

مخاطب این نامه سرگشاده نه نمایندگان کنگره امریکا، که مردمی است که پوچی این ادعاها، پوچی متحقق شدن دمکراسی نیم بند غربي در ایران را در زندگی روزمره شان تجربه کرده اند. مردمی که مدتها است امیدی به آزادی، بهبود زندگی، حق زن و ... را در چارچوب جمهوری اسلامی آنهم به نیروی بخشی از حاکمیت منجمله "دولت اعتدال" و "اصلاح طلبان"، ندارند. مردمی که در همین دو سال حاکمیت دولت مورد حمایت و البته "انتقاد" این اپوزیسیون، شاهد گسترش فقر و فلاکت، گسترش اعدامها، دستگیریها، بیحقوقی زن و ... بوده اند.

صفحه ۳

حزب کمونیست کارگری کردستان

فراخوانی به مردم کردستان!

حفاظت از جان ساکنین کردستان از تهدید جنگ داخلی و تأمین آینده ای روشن برای آنان، در گرو به میدان آمدن نیروهای توده ای و ایجاد قدرت شوراهای است.

مردم کردستان،

کارگران، زحمتکشان و آزادیخواهان!

تشدید کشمکش میان نیروهای تشکیل دهنده دولت اقلیم کردستان بر سر مسئله رئیس اقلیم، که نشانه شکست و بن بست سیاسی و بحران حکومتی و تقسیم آنها میان دولتهای منطقه بر اساس منافع آنهاست، آینده ترسناکی را در مقابل جامعه کردستان قرار میدهد. آن احزابی که اعلام میکردند در کنار هم رفاه و آسایش را برای مردم کردستان تأمین میکنند، اکنون در گرداب بن بست حکومت خود گیر کرده و در پاسخ به ابتدائی ترین نیازهای مردم عاجز و بی افق و لاقید هستند. بعلاوه شرایط فروپاشی سیاسی و امنیت جامعه مهیا است و سایه تغییر شرایط به طرف یک جنگ داخلی بر سر مردم کردستان در حال چرخش است!

جدال و کشمکش در بین این نیروها و لاقیدی آنها در قبال کشیدن جامعه به سوی جنگ و فاجعه، هیچ ارتباطی با منافع مردم کردستان نداشته و ندارد، بلکه برای تسلط بر جامعه و تصاحب و تقسیم مقام و ثروتهای آن در بین خود است. جنگ حفظ و یا تصاحب امتیازات اقتصادی و سیاسی برای خودشان است، به این خاطر تنها راه باقیمانده در برابر مردم این است که:

"دنیای متمدن" و "سرپناههای امن"

"اوضاع آزمایشی است! چرا که از مدیترانه، گله هایی از مردم به دنبال یک زندگی بهتر سرازیر شده اند".
تضمین میکنم که "بریتانیا سرپناه امنی برای مهاجرین نخواهد شد!"

دیوید کامرون، نخست وزیر بریتانیا، اظهار و اخطار میکند!

تريا شهبابی

اظهارات و اخطارهای مهوع و فاشیستی بالا، از جمله خروار ها جوابی است که امثال دیوید کامرون، به موج فرار از جهنم هایی میدهد که از جمله او و دوستانش در هیئت های حاکمه بریتانیا و امریکا و اروپا، آفریده اند. این پاسخ سرراست کسانی است که بیش از هرکس و هر دولتی، سیاست های آنها جهان را تخریب، غیرقابل زیست، و ترسناک کرده است.

این سموم مشام آزار از جانب سوپر راست در بریتانیا، درحالی متصاعد میشود که امروز در عالم واقعی سیاست بورژوازی، از امریکا تا بریتانیا، اظهار "پشیمانی" از سیاست های میلیتاریستی دور قبل، "معذرت خواهی" به خاطر بمباران عراق، و "تجدید نظر" در آن سیاست ها، به مجوزهای "اعتباری" ورود به مسابقات انتخاباتی پارلمان های بعدی تبدیل شده است.

مسئول فرار از جهنم های موجود در خاورمیانه و آفریقا و آسیا، قدرت و نیروهای بین المللی و رقبا و متحدین آنها در منطقه اند. قدرت و نیروهایی که امروز در "کشورهای خود" یا در "کشورهای اروپایی" و امریکا، از گردن تعرض و حمله قربانیانشان، در "امنیت" بسر میبرند و فعلا جان سالم بدر برده اند.

تمشای سیمای هزاران هزار فراری از جنگ و خانه خرابی و اختناق و فقر، کسانی که کمترین سهمی در شکل دادن به آنچه که در خاورمیانه و آفریقا میگردد، نداشته اند، وجدان هر انسانی که از انسانیت کمترین بویی برده باشد را می آزرده. نشان دادن تصویر مردمی که از خاورمیانه و آفریقا قربانیان میلیتاریسم دول غربي منجمله آقای کامرون شده اند، تصویر مردمی که تلاش شان برای یک زندگی بهتر از طریق

"دخالت های بشر دوستانه" و سر هم کردن انواع باندهای قومی و مذهبی به خون کشیده شد، تصویر کسانی که برای فرار از جهنم های دست ساز "جهان متمدن" و اوباش متحدشان در منطقه، به سمت اروپا

صفحه ۴

فراخوان به مردم کردستان

و کاشانه ما را به میدان جنگ و فعالین و مبارزین و رهبران زندگی شایسته برای همه مردم سود پرستانه خود تبدیل کنید. توده ای نیز دست به کار کردستان اقدام نمایند. تظاهرات

پیش به سوی برپا کردن شوراها وانجمنها و حاکمیت توده ای!

۱- ضروری است که توده های کارگر و مردم زحمتکش و مترقی و آزادیخواه کردستان بر علیه تبلیغات جنگ طلبانه و غیرمسئولانه این جریانات به میدان بیایند و به شیوه های گوناگون اعتراض توده ای راه در برابر خودسری این احزاب سد کرده و از آنها قبول نکنند که کردستان را به سوی یک جنگ داخلی دیگر سوق دهند. باید خطاب به آنها اعلام کنند که اجازه نمیدهیم جان و خانه

۲- هم زمان با سازماندهی این جنبش توده ای بر علیه جنگ، مردم باید در محلات و مراکز کار و زیست خود، شورا و انجمنهای خود را برپا کرده و از این طریق راسا از پایین اراده خود را اعمال کنند. مستقیماً دست به کار پاکسازی فساد و غارت ثروت مردم از جانب مافیا و رشوه خواران بشوند و خود برای فراهم کردن مایحتاج و خدمات مورد نیاز مردم از قبیل آب و برق و جاده ها و تأمین کار و معاش و

پیش به سوی سازمان دادن جنبشی توده ای بر علیه جنگ و جنگ طلبی احزاب بورژوازی کرد.

ترجمه از کردی به فارسی فرزاد نازاری

حزب کمونیست کارگری کردستان
۲۰۱۵-۸-۱۶

امنیت

رفاه و آزادی بدون احساس امنیت، بدون زندگی در شرایطی امن، که در آن شهروندان در هراس از فقر، جنگ و تخریب، و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع، به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند، ممکن نیست.

بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی، که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند، تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست. این حکم امروز بخصوص، در شرایطی که جهان سراسر به میدان تعرض تروریسم دولتی و غیردولتی تبدیل شده است، بیش از پیش صدق میکند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مدافع برجیدن ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای، انحلال ارتش و سپاه پاسداران و نیز کلیه سازمان های نظامی و انتظامی و جاسوسی و اطلاعاتی مخفیاست.

- حزب حکمتیست دفاع و امنیت را وظیفه نیروی مسلح مردم، متشکل در کمیته های محل کار و زیست، مبتی بر آموزش نظامی عمومی و شرکت همگانی در امور انتظامی و دفاعی، و جایگزین آن با ارتش حرفه ای و مافوق مردم میداند.

- حزب حکمتیست برای فراهم کردن شرایط دفاع، مسلح و غیرمسلح، علاوه بر کمیته های محل کار و زیست، برای شکل گیری گارد آزادی، مسلح و غیر مسلح، فعالیت میکند.

- با این وجود مادام که نیرویهای مسلح وجود دارند موازین زیر باید برقرار گردند:

۱ - اطاعت بی چون و چرای پایین از بالا در نیروهای مسلح لغو شود. هر فرد نظامی حق دارد از اجرای دستوراتی که به نظر او با قوانین کشور در تناقض باشد یا با اصول انسانی و وجدانی وی مغایرت داشته باشد امتناع کند.

۲ - هر کس حق دارد از شرکت در جنگ و یا هر فعالیت نظامی که با اصول اعتقادات وی مغایر است، امتناع کند.

۳ - نیروهای انتظامی باید در حین ماموریت و انجام وظیفه، اونیفورم نظامی خود را به تن داشته باشند و اسلحه خود را به نحوی حمل کنند که دیده شود.

۴ - تشکیل نیروی مسلح فاقد اونیفورم و یا انجام ماموریت بعنوان پلیس مسلح در لباس سیویل ممنوع است.

۵ - لغو دیپلماسی سری

۶ - ممنوعیت ورود کشور به پیمان های ضد مردمی، نظامی، سلطه طلبانه و سرکوبگرانه

۷ - ممنوعیت گسترش میلیتاریسم، دخالت نظامی میلیتاریستی در کشورهای منطقه، ممنوعیت مسلح کردن دسته های قومی و مذهبی .

از: شور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران

"دنیای متمدن"

در حرکت اند، امروز به پدیده ای "عادی" تبدیل شده است.

تماشای چهره کودکان و سالمندان و جوانانی که به امید یک زندگی امن تر، انسانی تر، و قابل تحمل تر، از زیر سیم خاردارها و در دل دریاها و اقیانوس ها و در جاده ها و مرزها، دوان دوان در تاریکی و روشنایی برای رساندن خود به نقطه ای امن تر خود را به هراب و آتشی میزنند، دردناک است.

تماشای اما میتوان پیچ رادیو و دکمه تلویزیون خود را خاموش کند، روی از نگاه به

این صحنه ها برگرداند، و خود را از زیر فشار درد تماشای این صحنه ها برهاند. برای کسانی که شانس آن را نداشته اند که تماشای این صحنه ها باشند و خود از جمله قربانیان این تراژدی های انسانی و این هالوکاست قرن بیست و یک هستند، این امکان و این "انتخاب" برای فرار از تحمل درد، وجود ندارد.

این واقعیت، که تنها شانس مانع از آن بوده است که تو، خانواده تو و کودکان عضو از این لشکریان فراری باشی، لشکریانی که هرروز خیر غرق شدن در دریاها، مرگ در کامیون های بار، تحقیر و مشت و لگد و باتوم ماموران مسلح مرزی و مهاجرت رami چشند، به موجی از ترس، رضایت به وضع موجود و محافظه کاری در میان مردم محروم در خود کشورهای اروپایی دامن زده است. تنها در این شرایط است که امثال دیوید کامران جرات میکنند مردم فراری از جنگ و فقر و اختناق را "گله" بنامد و به آنها اخطار دهند.

را تجربه میکند. این دروغ محض است. مهاجرت و فرار از خاورمیانه و آفریقا و آسیا، نه "حمله ملخ ها به مزارع آباد و پر محصول" جوامع اروپایی، که تلاش بخشی از بازماندگان هالوکاست دست ساز همین "جهان متمدن" برای بقا در شرایطی نسبتاً امن تر، آنهم در جهانی است که

هیچ چیز مرز و محدوده و ملیت نمی شناسد. حرکت آزادانه سرمایه و سود و ارتش و بمب و خرافه مذهبی و فرهنگ و هنر و سیاست و نیروی کار، مشخصه جهان امروز است. پدیده فرار از مصائب این جهان، تنها محصولات جانبی جهان امروز است.

بحران مهاجرت و پناهندگی نامیدن این موج فرارها، برای نیروهای حاکم و میدیای نوکر آن اما خاصیت هایی دارد. اولین و فوری ترین خاصیت آن این است که آن را میتوان چون سیل و رعد و برق و سنگ آسمانی، پدیده هایی "بی صاحب" و "طبیعی" خواند! برحال قربانیان آن دل سوزاند، "کم خرج ترین" و "کم هزینه ترین" پاسخ مادی و پولی را به آن داد، و تباهی و نابودی بخش اعظم این قربانیان را، عواقب طبیعی این "بحران" نامید!

نشان دادن و مسابقه میدیا در به تصویر کشیدن و نشان دادن ابعاد فاجعه، دادن آمار و ارقام و "تاثیر و تالم" از این فاجعه، برای نیرویی که این تراژدی را "طبیعی" میدانند، هزینه ای ندارد. قرار نیست یقه کسی را به خاطر این فاجعه گرفت. چرا که ظاهراً این هالوکاست باید کار خدا، یا طبیعت، یا قوانین کوری باشد که خارج از اراده انسان عمل میکند. این دروغ محض است. خدا و طبیعت و شانس، در این میان هیچ کاره است.

این فاجعه، نه بحران پناهندگی، که سند بی صاحبی قربانیان نظام آدم کش سرمایه است. "جهان متمدن" ادعا میکند که "جهان "بحران پناهندگی"

محصول همان باغ پرمحصولی است که از گزند سازندگان این باغ، باید در امان باشد! کدام بحران؟ کدام عامل و فاکتور خودبخودی موجب فرار این هزاران هزار انسانی شده است که حاضر شده اند همه زندگی، حرمت و سلامت خود را درگرو فرار بگذارند.

این فجایع و تراژدی ها، نوک کوه یخ قله بزرگتری است از فاجعه ای که در نتیجه "دخالت‌های بشردوستانه" غرب زندگی میلیونها انسان را به تباهی کشید. این بخشی از تراژدی زندگی صدها میلیون نفری است که امکان فرار ندارند. مگر این فراریان قدرت داشته اند که چیزی را تعیین کنند؟ هرگز تصمیمی برای سرنوشت محکومیت خود و بقیه رقم زده اند؟ مگر وزیر و وکیل و رئیس جمهور و ولی فقیه و نخست وزیر و شاه و ملکه اند که به کوه و دشت میزنند تا جای امنی برای زندگی پیدا کنند؟

صف فراریان و صاحب خانه ها عوض شده است. معماران این تباهی، کسانی که مسئول، طراح، و سازمانده به خون کشیدن تلاش و امید میلیونها انسان برای خلاصی از فقر و استبداد بودند، کسانی که می بایست از ترس حمله مردم به دنبال جای امن بگردند و فرار کنند، بلر و بوش و روحانی و ولی فقیه و اردوغان و ... هنوز بر مسند قدرت اند و در مورد بحران پناهندگی جلسه میگیرند و دل می سوزانند!

این دنیای وارونه، از همیشه وارونه تر، از همیشه رباکار تر، از همیشه یک قاعده ای تری که در آن فقط و فقط تولید سود حکم میراند، را باید بر قاعده نشانند. جای این انسانهای شریفی که در دریاها و کامیون ها و زیر سیم خاردارها و ادارات پناهندگی و مهاجرت و در کمپ ها تباہ میشوند، در قلب جوامع متمدن و بر صدر است. مسبب این فاجعه انسانی

حکمتیست، هفتگی را

بخوانید و آن را

گسترش و پخش کنید!

از سایت حزب

حکمتیست دیدن

کنید

www.hekmatist.com

نشریه هفتگی حزب حکمتیست خط رسمی

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللہی
fuaduk@gmail.com
تماس با حزب
hekmatistparty@gmail.com

"شور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران" را بدست گیرید!

<http://hekmatist.com/2015/Hekmatist Manshour.html>

قدرت طبقه کارگر در تحزب و تشکل اوست!